

بررسی روان‌شناختی تجاوز جنسی زناشویی با نگاهی بر جنبه فقهی و حقوقی موضوع

فریبا گودرزی*

سید محمد موسوی بجنوردی**، شکوه نوایی نژاد***

چکیده

تجاوز جنسی زناشویی از جمله مواردی است که سازمان ملل، مبارزه با آن را در قالب اعلامیه حذف خشونت علیه زنان منتشر کرده است. که با توجه به رشد تعداد کشورهای که تجاوز جنسی زناشویی را جرم انگاری کرده‌اند، این مسأله به مرز تبدیل شدن به یک الزام بین‌المللی رسیده است. نیاز به شناسایی این پدیده و شناخت ابعاد روانشناختی آن در جامعه ما و نحوه برخورد قانونگذار با این پدیده امری ضروری می‌نماید. این پژوهش درصدد است ضمن شناخت پدیده تجاوز جنسی زناشویی پاسخی مناسب در خصوص سؤال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه تجاوز جنسی زناشویی موجود در دیدگاه روانشناختی به چه نحوی در فقه و حقوق اسلامی قابل طرح است؟ را بیابد. علاوه بر بررسی این پدیده به شیوه کتابخانه‌ای، از روش تحقیق ترکیبی یا آمیخته و شیوه تحلیل داده اکتشافی استفاده شده است. ابتدا از طریق مصاحبه عمیق با ۴ تن از قربانیان مقولات محوری استخراج شده‌اند. سپس از مقولات جهت تدوین پرسشنامه استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که قانونگذار به صورت غیر منسجم به برخی از مقولات پرداخته است. از سوی دیگر مقوله عشق در دیدگاه فقهی با عمق بیشتری نسبت به دو مؤلفه حقوق و روانشناختی ارائه و تبیین شده است.

* کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)، goodarzi.fh@gmail.com

** استاد تمام و رئیس دانشکده الهیات و معارف تهران شمال، sm_moosavi@iau-tnb.ac.ir

*** استاد تمام روانشناسی و مشاوره، دانشگاه خوارزمی، navabinejad@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۵

کلیدواژه‌ها: تجاوز جنسی زناشویی، حق جنسی، خشونت.

۱. مقدمه

برداشت اکثر افراد دربارهٔ رابطهٔ جنسی اجباری در فرایند زناشویی آن است که با تجاوز واقعی مرتبط نمی‌باشد، وقتی بحث تجاوز مطرح می‌شود، در ذهن افراد تصور فردی غریبه با اسلحه در حالت حمله و تهدید جانی برای زنان مجسم می‌شود، ولی در خصوص رابطهٔ جنسی اجباری در فرایند زناشویی نوعی ناخشنودی نه چندان جدی به همراه جروبحث زناشویی به ذهن متبادر می‌شود (فینکلهور و اللو، ۱۹۸۵: ۱۳). در واقع اغلب مردم به سبب اینکه در ذهن‌شان تجاوز زناشویی امری جدی نیست بدان توجه نمی‌کنند و در نظر اکثر افراد این مسأله نوعی عدم توافق بر سر رابطهٔ جنسی است که مرد برندهٔ آن است و تصویری خوشبینانه مثل کمی خشونت مبهم، به همراه کمی درد و رنج از مسأله دارند و اجبار صورت گرفته در نظرشان انتزاعی است و معمولاً در توصیف آن جملاتی خشتی را بکار می‌برند مثلاً او را مجبور یا وادار کرد. در واقع این عمل نوعی "سانسور کلیشه‌ای" است که محصول جهل و درک ناصحیح است (همان: ۱۴).

اگرچه تجاوز جنسی زناشویی یکی از اشکال شایع و جدی خشونت علیه زنان است (برگن و بران هیل، ۲۰۰۶: ۱). و در اعلامیه حذف خشونت علیه زنان، قطعنامه ۴۸/۱۰۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوبه ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ [۱] در ماده ۲ بند الف، مسأله تجاوز جنسی زناشویی (marital rape) به عنوان مصداقی از خشونت مطرح شده است اما در اکثر کشورها به دلیل عدم توجه قانون نسبت به این حق، افراد خود را محق به تجاوز و بهره‌کشی جنسی از همسر خود می‌دانند و همان‌طور که رایدر و کازمنکا اشاره می‌کنند "اکثر مردم این مسأله را جدی نمی‌گیرند" و مانند باب ویلسون - سناتور سابق امریکایی - معتقدند "اگر نتوانی به همسر خود تجاوز کنی پس اجازه تجاوز به چه کسی را داری؟" (رایدر و کازمنکا، ۱۹۹۱: ۳۹۳). خشونت جنسی در سراسر جهان رخ می‌دهد، نتایج پژوهش‌ها و آمار موجود حاکی از آن است که از هر چهار نفر یک نفر مورد خشونت جنسی توسط شریک صمیمی خویش قرار می‌گیرد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۴: ۱۴۹). و "بسیل" در پی تحقیقات خود دریافت که ۳۴٪ از زنان رابطهٔ جنسی ناخواسته با همسر خود را تنها به سبب اینکه جزو تعهدات زناشویی است انجام می‌دهند (برگن و بران هیل،

۲۰۰۶: ۱). و براساس آمار مرکز تحقیقات بین الملل ۲۵٪ زنان و ۷/۵٪ مردان اذعان داشته‌اند که توسط همسر یا شریک صمیمی خود مورد تجاوز قرار گرفته‌اند (تیاده و ثوانز، ۲۰۰۰). بی‌توجهی به این امر از سویی بنا به دید فوکویی به سبب مهار گفتمان رابطه جنسی در جامعه و تابو و محدودیت دانستن و تک بعدی نگرستن به آن است (فوکو، ۱۹۹۰: ۵۳) و از سوی دیگر بنا به نظر بودیاری شاید به این سبب است که در عصر جدید پست مدرن، سکس مرده است زیرا تمام چیزها به صورت سکس در آمده‌اند (فوکو، ۱۳۹۰: ۱۷۳). از این رو چنین واقعیت‌هایی در جامعه یا با کتمان و تک بعدی نگری روبرو هستند و یا به سبب آنکه تصور می‌شود امری بسیار بدیهی است نادیده گرفته می‌شوند. از منظر حقوقی راسل معافیت و استثنای همسر از عمل تجاوز که سبب منع پیگرد قانونی و اتهام وی در قبال تجاوز به همسر شده است را دلیل این امر می‌داند (مک ماهون، ۲۰۰۹: ۵۰۵). و گوپتا نیز فقد قانون و ننگ اجتماعی برای مبارزه علیه تجاوز جنسی زناشویی را از ابتدایی‌ترین عوامل پنهان شدن این شر پشت نهاد مقدس ازدواج می‌داند (گوپتا، ۲۰۱۳: ۱). از این رو یکی از مسائلی که جامعه با آن درگیر است نحوه برخورد قانونگذار با چنین جرایمی است. ایران از جمله کشورهایی است که حقوق جنسی مجزا برای خانواده تعریف نکرده است و از آنجا که قوانین این کشور متناسب با دیدگاه‌های شرعی نگاشته می‌شود، لازم است میزان انعطاف شارع و قانونگذار را در خصوص این مسئله بررسی کرد.

از بعد روانشناختی احساس نارضایتی از امور جنسی ریشه بسیاری از ناراحتی‌ها و مشکلات روانی اجتماعی بوده و بصورت صفات خطرناک از قبیل خیانت، حسادت، احساس پوچی و ناسازگاری و فساد اجتماعی تجلی می‌نماید (هنرپروران و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). از این رو بررسی این مسأله به سبب چندلایه بودن و تاثیرات خزنده‌ایی که بر کارکردهای اجتماعی فرد دارد امری بایسته می‌باشد. این پژوهش به کمک واکاوی نیازهای روانی و حقوقی افراد در خصوص تجاوز جنسی زناشویی و ارائه تعریف و مقوله بندی صحیح به شناخت این پدیده در بعد اخلاق و قانون می‌پردازد. همان‌طور که برگن اذعان دارد بسیاری از زنان به سبب وفاداری، ترس، ناآشنایی با عوامل بهره‌کشی جنسی و ناتوانی در ترک رابطه قادر به گزارش اینگونه خشونت‌ها نیستند (برگن، ۲۰۰۶: ۱۳)، از این رو حمایت قانونی می‌تواند گام مثبتی در جهت شناساندن این مسأله و حمایت افراد باشد. از آنجا که خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، پایه و اساس ساخت اجتماع محسوب می‌شود، [و] خانواده شالوده هر جامعه متمدن است (مور، ۱۳۷۶: ۲۹) بررسی و

مداقه در تمامی ابعاد آن جهت حفظ و تحکیم این نهاد را می‌توان مسأله اساسی جوامع امروزی دانست. امروزه بسیاری از کشورها یا قوانین مربوط به تجاوز جنسی زناشویی را تصویب کرده‌اند و یا معافیت همسر از تجاوز را لغو کرده‌اند و یا قانونی را به تصویب رسانده‌اند که تمایزی بین تجاوز فرد غریبه با تجاوز به همسر نمی‌گذارد، به طوریکه طبق برآوردها در سال ۲۰۰۶ در یک صد کشور تجاوز جنسی زناشویی جرم قابل پیگیری تعریف شده است (گوپتا و گوپتا، ۲۰۱۳: ۱۸). و همچنین باید توجه کرد شناسایی و جرم‌انگاری تجاوز جنسی زناشویی فرصتی تاریخی در جهت تصویب قوانین به منزله مبارزه مؤثر با خشونت علیه زنان است (سامپسون، ۲۰۱۰: ۳).

شاید یکی از دلایل بی تفاوتی به این امور در این واقعیت نهفته است که این دست اعلامیه‌های جهانی به وسیله نهادهای بین‌المللی یا غیردولتی صادر می‌گردند و در جایگاه ابزار سیاسی، اصول غیرالزام‌آوری هستند که تنها به سبب اقتدار سیاسی و اخلاقی که دارند حائز اهمیت می‌باشند. اما باید توجه داشت با گذر زمان ممکن است به سبب تجربه مدام دولت‌ها (عرف) از تعارف خارج شده و به قاعده آمره بدل گردند (کوند، ۲۰۰۴: ۵۹). این در حالی است که باتوجه به رشد روزافزون پذیرش این ماده به عنوان قانون در بسیاری از کشورها (از جمله آلبانی، الجزایر، استرالیا، بلژیک، کانادا، چین، دانمارک، فرانسه، آلمان، هنگ کنگ، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، موریتانی، نیوزیلند، نروژ، فیلیپین، اسکاتلند، آفریقای جنوبی، سوئد، تایوان، تونس، انگلستان، ایالات متحده، به تازگی اندونزی، ترکیه در سال ۲۰۰۵، موریتانی و تایلند در ۲۰۰۷ (گوپتا و گوپتا، ۲۰۱۳: ۱۸)، به وضوح متوجه فراهم شدن زمینه برای خروج این ماده از حالت غیرالزام‌آور خود به سمت عرف، در نتیجه تبدیل آن به قاعده آمره می‌باشیم از این‌رو پژوهش در این زمینه و رد و قبول منطقی چنین اصولی در حال حاضر ضروری می‌نماید.

۲. روش

در این پژوهش ابتدا به شیوه کتابخانه‌ای، مطالعه مستندات موجود در خصوص پدید تجاوز جنسی زناشویی مد نظر قرار گرفته شد، سپس از روش تحقیق ترکیبی یا آمیخته (کیفی و کمی) و از شیوه تحلیل داده اکتشافی استفاده شده است. به این صورت که در این شیوه از طریق پژوهش کیفی به تدوین یک ابزار اندازه‌گیری مبادرت می‌گردد. در این راستا مصاحبه‌ای عمیق با چهار تن از قربانیان تجاوز جنسی زناشویی صورت گرفت و بر مبنای

آن مباحث به ۶ مقوله اصلی تحت عنوان چستی پدیده، صدمات روحی، صدمات جسمی، عشق، آموزش و پیامد تقسیم شدند. سپس سؤالات و فرضیه‌های بحث مطرح شدند و براساس آن پرسشنامه‌ای ۲۱ سوالی به کمک استاتید و کارشناسان حوزه مربوطه طراحی گردیده و توسط ۱۰۰ کارشناس حوزه روانشناسی پاسخ داده شده‌اند. پایائی پرسشنامه پس از ارزش گذاری ۰ و ۱ به گزینه‌های بلی و خیر (براساس کلید)، (۰/۷۹۴) محاسبه شده که بیانگر پایایی مطلوب برای پرسشنامه محقق ساخته پژوهش می‌باشد. و همچنین از لحاظ روایی، پرسشنامه مذکور مورد تأیید استاتید مربوطه قرار گرفته است. در نهایت نتایج حاصل از تحقیق کتابخانه‌ای و یافته‌های بدست آمده از مصاحبه و پرسشنامه جهت بررسی وضعیت امر در قوانین فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۳. تعریف تجاوز جنسی زناشویی

این اصطلاح از "تجاوز" و "زناشویی" تشکیل شده است. در فرهنگ عمید در مقابل مدخل واژه تجاوز آمده است: از حد درگذشتن، از حد خود بیرون شدن، از اندازه خارج شدن (عمید، ۱۳۷۷: ۳۷۵) و در مدخل واژه زناشویی آمده است: زناشوهری، زن و شوهری، زن گرفتن مرد، شوهرکردن زن، ازدواج (همان ۶۹۱). در انگلیسی نیز این اصطلاح از دو واژه "marital" و "rape" تشکیل شده است که در فرهنگ هریتیج rape به معنای: ۱. اجبار فرد به تسلیم عمل جنسی ۲. عمل تصرف و ضبط همراه با اعمال زور: اختفاف ۳. بی‌حرمتی (براب، ۱۳۷۶: ۵۶۹) آمده است و در مقابل واژه marital آمده: مربوط به ازدواج (همان: ۴۱۷).

از این رو در معنای ترکیبی می‌توان گفت تجاوز جنسی زناشویی اجبار فرد به تسلیم عمل جنسی در فرایند ازدواج است به نحوی که با اجبار و اختفاف از اندازه و حد خود خارج شود.

براساس تعریف سازمان ملل تجاوز جنسی زناشویی یکی از عناصر اصلی مدل قانون جرائم جنسی بین المللی در خصوص حذف معافیت تجاوز جنسی در قالب ازدواج است. که به منظور محافظت از زنان از تجاوز زناشویی و تصویب قانون جدید جرم جسمی، جنسی و فیزیولوژیکی سوء استفاده، ارباب، تهدید و آزار و اذیت بین زن و شوهر، شرکای صمیمی و شرکای سابق (A / HRC / 7/6 / الحاقیه ۳، پاراگراف ۳۷ و ۷۴) تدوین شده است. تجاوز جنسی زناشویی هرگونه مقاربت ناخواسته و یا دخول در (واژن، مقعد، و یا دهان)

که با ترس و تهدید همراه بوده و رضایت همسر را در پی نداشته باشد را شامل می‌گردد (برگن و بران‌هیل، ۲۰۰۶: ۱).

در واقع آنچه باعث بی‌توجهی به این امر می‌شود پذیرش تفاوت بین خشونت جنسی از جانب شریک جنسی با تجاوز از جانب فرد بیگانه است. هانمر و ایتزن نیز در تحقیقات خود شواهدی مبنی بر این امر ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد اغلب متجاوزان جنسی "تجاوز" را قبلاً در بستر خانواده و بر همسر و فرزندان‌شان اعمال و تجربه کرده‌اند (هانمر و ایتزن، ۲۰۰۰: ۶۳). از این رو چنین افرادی در دراز مدت پتانسیل تبدیل شدن به متجاوز جنسی را پیدا خواهند کرد با در نظر گرفتن چنین پیامدهایی پرداختن به جرم تجاوز جنسی زناشویی در واقع شیوه پیشگیرانه‌ای است که در دراز مدت سلامت و امنیت خانواده و جامعه را تأمین می‌کند. در ادامه با مذاقه در نظریات، قوانین فقهی حقوقی و ابعاد روانشناختی مسأله به نحوه برخورد قانونگذار و احکام فقهی و ریشه‌یابی پدیده در حوزه روانشناسی می‌پردازیم.

۴. نظریه پذیرش ضمنی، اتحاد و مالکیت

مبنای بی‌توجهی به تجاوز جنسی زناشویی در فرهنگ غربی ریشه در سه نظریه داشته است: ۱. نظریه پذیرش ضمنی ۲. نظریه اتحاد ۳. نظریه مالکیت.

نظریه پذیرش ضمنی از سخنان سرمتیو هال استنباط می‌شد مبنی بر اینکه با پذیرش ازدواج زن در واقع رضایت خود از عمل زناشویی را اعلام می‌کند از اینرو آن نظر را به عنوان نظریه پذیرش ضمنی مطرح می‌کنند (گراسی، ۲۰۱۴: ۴۶). هال معتقد بود: براساس رضایت زناشویی متقابل و قرارداد بین آن‌ها زن خود را به شوهر سپرده از اینرو نمی‌تواند خلاف آن عمل کند (کارینجلا، ۲۰۰۹). مبنای نظریه اتحاد نیز که از عقاید دین مسیحیت خصوصاً فرقه کاتولیک گرفته شده دلالت بر این امر دارد که فرد در ازدواج آزادی خود را با انتخاب خود از دست می‌دهد تا با همسرش اتحاد یافته و در پوست و گوشت یکی شوند (ویت جی آر، ۲۰۱۲: ۴۰). موافقان این نظر مصونیت قضایی شوهر را ناشی از نظریه اتحاد می‌دانند، که بر مبنای آن ازدواج علامت اتحاد زوجین بود، به معنای دقیق‌تر خلط زن در وجود شوهر تلقی می‌شد. در این مفهوم زن استقلال قانونی خود را در زمان ازدواج به کلی از دست می‌داد از اینرو مفهوم رضایت نامربوط به نظر می‌آمد. (گراسی، ۲۰۱۴: ۴۶).

نظریه سوم نظریه مالکیت زن بود که توسط بلکاستون مطرح شد و بر مبنای آن زن دارایی مرد به شمار می‌رفت از این‌رو مرد حق بهرمندی جنسی از او را داشت (همان). همان‌طور که راسل معتقد است پذیرش هرگونه معافیت همسر بیانگر پذیرش این اصل مهجور است که همسران جزو اموال مردان هستند و قرارداد ازدواج قراردادی برای حق بهره‌وری جنسی است (راسل به نقل از برگن، ۲۰۰۶: ۲).

باید توجه داشت مبنای این نظرات که زمینه‌ساز بی‌تفاوتی به امر تجاوز جنسی زناشویی در غرب بوده در اسلام قابل بررسی است، زیرا این امر که زن و شوهر در پوست و گوشت یکی می‌شوند و آنطور که در برخی فرق مسحیت شاهد آنیم طلاق ممنوع می‌باشد در اسلام مرسوم نبوده و اتفاقاً طلاق امری پذیرفته شده می‌باشد. از سوی دیگر گرچه موقعیت اجتماعی زنان قبل از اسلام بسیار تأسف برانگیز بود و مانند کالایی خرید و فروش می‌شده و از هرگونه حقوق اجتماعی و فردی حتی حق ارث محروم بودند (سبحانی، بی‌تا: ج ۱ ص ۴۸). اما پس از اسلام استقلال زن در تصرفات مالی در اسلام پذیرفته شده است (مهریزی، ۱۳۹۰: ۲۷۷) و جایگاه او در خانواده ارتقاء داده شده است و همچنین حق مالکیت زن را پذیرفته است، از این‌رو ضرورت بررسی این پدیده را می‌توان دریافت.

۵. بررسی و شناخت پدیده در مولفه‌های روانشناسی، فقه و حقوق

۱.۵ بررسی عوارض تجاوز جنسی زناشویی از دیدگاه قربانیان از بعد روانشناختی

برای شناخت بهتر هر پدیده اولین گام درک وضعیت قربانیان آن پدیده است. همان‌طور که در تحقیقات انجام پذیرفته شاهد هستیم اجبار شوهران با توسل به زور و ارباب در داشتن رابطه شب زفاف، استفاده از وسایل نامتعارف مثل میل گرد و برس شست و شوی توالت در هنگام نزدیکی، ناتوانی جنسی، آسیب روانی ناشی از روابط شوهران با زنان دیگر و اعمال انواع دیگر خشونت (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۵۲-۱۵۵) حاکی از آسیب‌های شدید جسمی و روحی قربانیان این پدیده است. از این‌رو در ادامه یافته‌هایی که از طریق مصاحبه عمیق با چهار تن از قربانیان بدست آمده ارائه می‌گردد تا از این طریق بتوان مولفه‌های مؤثر در تجاوز جنسی زناشویی را شناسایی و مقوله بندی کرد تا از این طریق به درک بهتری از پدیده نائل آییم.

جدول ۱. مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

نام	سن	تحصیلات	شغل	وضعیت تأهل	تعداد فرزند	شیوه ازدواج	طبقه اجتماعی
آزاده	۳۱	فوق لیسانس	دانشجو	-	ندارد	ایترنی	متوسط
سمیه	۳۳	لیسانس	کارمند	مطلقه	یک	آشنایی در دوران دانشجویی	متوسط
فهیمه	۳۹	فوق لیسانس	کارفرما	طلاق عاطفی	یک	ستی	متوسط
ماهرخ	۲۸	لیسانس	دبیر	مطلقه	یک	ستی	متوسط

۲.۱.۵ تبیین مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها

۱.۲.۱.۵ چیستی پدیده

ساختار اصلی هر تجربه‌ای، قصدیت [یا قصدی بودن] آن، یعنی روی داشتن آن تجربه به چیزی است، زیرا هر تجربه‌ای، تجربه‌ای است از عینی یا درباره عینی. تجربه به واسطه محتوا و معنایش عین مورد نظر را بازنمایی می‌کند (وودراف اسمیت، ۱۳۹۳: ۱۱). از این رو در ادامه قصد و عواملی که سبب شکل‌گیری این پدیده در افراد می‌گردد، شرح داده خواهد شد.

الف. انگیزه

اولین سوالی که در خصوص چیستی هر پدیده مطرح می‌شود انگیزه‌ای است که سبب وقوع آن امر می‌گردد. در واقع نفع یا ذوقی که مجرم را به ارتکاب جرم سوق می‌دهد، انگیزه ارتکاب جرم است (نوری، ۱۳۵۶: ۶۰). در خصوص تجاوز جنسی زناشویی بر اساس تحقیقات انجام شده توسط اللو و فینکلهور سه خصوصیت بارز در مردانی که همسرانشان را مورد تجاوز جنسی زناشویی قرار می‌دهند وجود دارد:

- ۱- مردانی که به سبب خشم غیر قابل کنترل انگیزه این عمل را پیدا کرده‌اند.
۲. مردانی که از این عمل به عنوان ابزاری برای سلطه بر همسرشان استفاده می‌کنند و آن را اعتباری برای قدرتشان می‌پندارند.

۳. مردانی که نسبت به عمل جنسی وسواس داشته و از لحاظ جنسی منحرف و یا دارای جنبه‌های سادیسمی هستند (فینکلهور و اللو، ۱۹۸۵: ۶۱-۶۲). برگن نیز عواملی چون حسادت جنسی، به کار بردن اهرم خشونت جهت تنبیه طرف مقابل، نشان دادن قدرت و برتری و محق دانستن خود بنا به قرارداد ازدواج را انگیزه تجاوز جنسی می‌داند (برگن به نقل از گرین برگ، ۵۴۰).

مصاحبه شونده‌گان دریافت‌های خود را از رفتار همسرانشان اینگونه بیان کردند:

- خیلی بدبخت بود، حس حیف و میل به من داشت، انگار چیزی که سال‌ها ازش دریغ شده بود بدست آورده بود ... علاقه به سکس معقدی داشت... در هنگام سکس معقدی از اینکه من درد می‌کشیدم لذت می‌برد (آزاده).
- اصلاً رحم نداشت، یکبار دست و پا و دهان مرا بست و از اینکه با حالت تهاجم با من نزدیکی کند لذت می‌برد. یکبار هم در یک مهمانی مرا مجبور به برقراری رابطه کرد و سبب خجالتم پیش افراد فامیل شد (سمیه)
- از وقتی ادامه تحصیل دادم و از لحاظ مالی مستقل شدم رفتار جنسی‌اش تحقیرآمیزتر شد (فهیمه).
- من از او کم سن‌تر بودم، اینطوری راحت زور می‌گفت. دائم می‌خواست ثابت کند همه چیز تحت فرمان اوست... (ماهرخ).

ب- تأثیر تکنولوژی

بندروا بر مدل‌سازی رفتار، کنش‌های عاطفی و گرایش‌ها از طریق بصر تأکید دارد. او معتقد است ما رفتار پرخاشگرانه را همانند بسیاری از رفتار اجتماعی می‌آموزیم و این فرایند ابتدا با مشاهده و سپس با تقلید آن رفتار صورت می‌گیرد (شولتز، ۲۰۰۵). او در آزمایش «عروسک بوبو» بعد از اینکه رفتار خشن با عروسک بوبو را نمایش داد، مشاهده کرد که کودکان هر بار که بوبو را می‌بینند همان رفتار خشن را بروز می‌دهند (همان: ۴۰۸). از آنجاکه در قرن حاضر صور خیالی، وانموده‌ها و تشبیهات تصنعی در همه جا به چشم می‌خورند. در آگهی‌های تبلیغاتی، در مد، در تلویزیون، ویدئو و سینما (فوکو، ۱۹۹۰: ۱۷۳). در واقع گسترش وسایل ارتباط جمعی سبب ساز نفوذ موجی از اطلاعات و داده‌ها شده است و در این میان فیلم‌هایی که محتوای هرزه نگارانه دارند نیز استثناء نمی‌باشند. کلاین شاخصه اصلی این فیلم‌ها را در فقدان ارزش ادبی، هنری، سیاسی و علمی و گسترش

ارتباط جنسی به شیوه‌ای آشکار و آزاردهنده و ترویج یک علاقه شدید (وقیح، هولناک، بی‌شرمانه یا شهوانی) جنسی می‌داند که سبب اعتیاد، حساسیت‌زدایی، شدت بخشی برای افزایش «حال جنسی» و نهایتاً تمایل به پیاده کردن هرزه‌نگاری‌هایی که مشاهده کرده در ملاء عام است (کلاین، ۱۳۸۴: ۳۰-۳۱).

نمونه‌های مورد مصاحبه رفتار همسرانشان در استفاده از تکنولوژی را اینگونه بیان کردند:

- یکبار موبایلش را چک کردم پر از فیلم و عکس مستهجن بود و با زنان شوهردار چت می‌کرد و متوجه شدم با آن‌ها در غیاب شوهرانشان رابطه دارد (سمیه).
- علاقه به فیلم‌های پورنو داشت از من می‌خواست برایش فیلم پورنو تهیه کنم وقتی سرباز می‌زدم، بددهنی می‌کرد... به زیور آلات علاقه شدیدی داشت، به نظرم همجنس‌باز می‌آمد (آزاده).
- فیلم‌های مستهجن نگاه می‌کرد دو تا گوشی داشت و در یکی از آن‌ها پر از فیلم‌های ناجور بود ولی اهل چت و شبکه اجتماعی نبود (فهیمه).
- با پسری کوچک‌تر از خودش رابطه داشت... فیلم‌های پورنو تماشا می‌کرد و مرا هم مجبور به دیدن آن‌ها می‌کرد، سکس هاردکور (خشن) را دوست داشت.. گاهی به شوخی پیشنهاد سکس چند نفره با دوستانش یا با دوستان مرا می‌داد (ماهرخ).

ج- تسلسل کهرتی

همانطور که آدلر معتقد است احساس کهرتی در فرد سبب تداوم دور و تسلسل کهرتی می‌گردد، به این صورت که فرد برای اطمینان بخشی به خود کودک را کهرت می‌سازد و کودک نیز در برابر این کهرت‌سازی واکنش‌هایی نشان می‌دهد و خواه ناخواه کودک در چنین دایره‌ای پرورش می‌یابد و واکنش دفاعی و جبرانی وی خودکار می‌شوند و جزء جدانشدنی خلق و خوی وی می‌شود. چنین کودکی در بزرگسالی در برابر جوان‌ترها همان طرز رفتار ناقصی را که در کهرت شدن وی سهیم بوده است و او خود از آن آگاهی ندارد را از خود بروز می‌دهد (منصور، ۱۳۶۹: ۶۷).

- پدرم همیشه مادرم را آزار می‌داد او هم از لحاظ عصبی بهم ریخته بود مادرم هم ما را می‌زد، خودم هم گاهی متوجه نمی‌شوم اعصابم نمی‌کشد مثل مادرم عقده‌ام را سر فرزندم خالی می‌کنم ... (فهیمه).

- می گفت دوران کودکی بدی داشته... در خانواده کسی او را به حساب نمی آورده (آزاده).

- از بچه اش بدم می آید شبیه اوست (ماهرخ)

۲.۲.۱.۵ صدمات جسمانی

سوء استفاده مزمن جسمی، جنسی، یا روانی حتی پس از پایان رابطه، تأثیر طولانی مدت بر زنان دارد. مرگ یکی از عواقب ناشی از تداوم خشونت جنسی از سوی همسر می باشد. خشونت به طور مستقیم و از طریق صدمات و حملات فیزیکی ممکن است بر سلامت زن تأثیراتی از جمله درد مزمن، شکستگی استخوان، ورم مفاصل، نقص شنوایی یا بینایی، تشنج، یا سردردهای مکرر بگذارد. و همچنین تأثیرات مخربی در مغز از جمله: اختلال در خواب، سردرد، سرگیجه، افسردگی، تحریک پذیری، اضطراب، تغییرات در اجتماعی یا جنسی و رفتاری، مشکلات گفتاری، اختلال شناختی، و مسائل مربوط به حافظه بگذارد. خشونت جنسی که اغلب با شریک زندگی رخ می دهد می تواند منجر به صدمات واژن و یا مقعد، افزایش سطح استرس، اختلال عملکرد و مشکلات سیستم ایمنی بدن، افسردگی و افزایش خطر عفونت باکتریایی بیانجامد. خشونت جنسی دایمی سبب سندرم اختلال عملکرد و روانی و همچنین سبب افزایش آسیب پذیری نسبت به درد مزمن شود [۲]. در نظر فینکلهور و اللو از جمله صدمات فیزیولوژیکی که تجاوز جنسی زناشویی به جای می گذارد می توان به آسیب های واژنی و معقدی اشاره کرد. اجبار و خشونت در هنگام نزدیکی بدون استفاده از لوبریکانت ها سبب آسیب به واژن، تورم و در برخی مواقع موجب زخم و جراحت می گردد. اکثر زنانی که تجربه نزدیکی معقدی با اجبار داشته اند جراحات فیزیکی، از ابتلا به هموروئید تا پارگی عضله را گزارش کرده اند. جراحات واژنی وارده بر زنانی که تازه زخم ناشی از زایمانشان بهبود یافته بسیار دردناک تر است. از سوی دیگر باید توجه داشت، اجبار زنان به عمل جنسی استعداد آسیب پذیری جسمانی شان را افزایش می دهد (فینکلهور و همکاران، ۱۹۸۵: ۱۲۲). قربانیان تجاوز جنسی زناشویی تجربه خود در این خصوص را اینگونه اظهار می کنند:

- به شدت علاقمند به نزدیکی از پشت بود، از این امر نفرت داشتم صرفاً برای اینکه بتوانم او را راضی کنم، مبلغی را که از خانواده ام گرفته برگرداند به خواسته اش تن می دادم، تا مدت ها درگیر درمان آسیب های ناشی از نزدیکی از پشت بودم، بعد از

اینهمه مدت تازه کمی بهبود پیدا کرده‌ام مدت‌ها مجبور بودم سوپ و غذای آبکی بخورم تا مشکلات ناشی از نزدیکی از پشتم حل شود (آزاده).

- پس از سقط بچه‌ام، با وجودیکه باید مراقبت می‌کردم به خاطر اجبارش در نزدیکی خونریزی کردم ... یکبار دست و پا و دهان مرا بست و از اینکه با حالت تهاجم با من نزدیکی کند لذت می‌برد... دستم را شکست و با زور مجبورم کرد مهریه‌ام را ببخشم و گرنه بچه را از من جدا می‌کرد (سمیه).

۳.۲.۱.۵ صدمات روحی

براساس تحقیقات انجام شده:

ترس از خشونت، مانع بزرگی برای مستقل کردن زنان به شمار می‌آید. این ترس موجب می‌شود تا زنان پیوسته درصدد برخورداری از پشتیبانی مردان باشند اما این پشتیبانی نیز در موارد بسیاری، آسیب‌پذیری و وابستگی بیشتر زنان را به دنبال دارد و مانع اصلی توانمند شدن زنان است (نوابی، ۱۳۹۱: ۱۶۴).

همچنین پژوهش‌های گسترده در خارج از کشور و همچنین پژوهش‌های بالینی نوابی‌نژاد نشان می‌دهد که به طور کلی این‌گونه زنان اعتماد به نفس و عزت نفس پایینی دارند و در ایفای نقش همسر یا مادر احساس بی‌کفایتی می‌کنند، به اندازه‌ای شکست خورده‌اند که خود را مستوجب تنبیه شوهرانشان می‌دانند، به همین دلیل می‌کوشند مورد خشونت و تهاجم واقع شدن را انکار کنند. همچنین متخصصان (طرفدار جنبش آزادی زنان) معتقدند زنانی که کتک می‌خورند، به افراد افسرده و پارانوئید تبدیل می‌شوند (همان: ۱۷۱-۱۷۲). که این ویژگی هم باعث تحریک فرد به خشونت و هم تحمل رفتار خشونت‌آمیز می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۰۲). از سوی دیگر طبق تحقیقات انجام شده اکثر زنان به سبب ناآشنایی با مقررات و قوانین یا اصولاً ترجیح می‌دهند مسائل زندگی مشترکشان به بیرون سر باز نکند، به همین دلیل به بهای تداوم و حفظ زندگی مشترک اذیت و آزار همسرانشان را تحمل می‌کنند (سیف ربیعی، رمضان، حتمی زینت، ۱۳۸۱: ۱۹).

[زنان خشونت دیده] به اجبار، خشونت شوهر نسبت به خود را از سایر مردم پنهان می‌دارند، افزون بر این نقش انفعالی دارند، نسبت به همسران خود مطیع و فرمانبردارند، اما بعدها به خرابکاری دست می‌زنند. آنان خشم خود را سرکوب و در نقطه دیگر ابراز می‌دارند. آنان موجوداتی بی‌پناهند و قادر به تغییر وضعیت زندگی خود نیستند و

پیوسته بر این باورند که هر اقدامی وضع آن‌ها را بدتر می‌کند. اینگونه زنان پیوسته خود را شماتت می‌کنند و اغلب خود را مسئول مشکل‌ها و نابسامانی‌های زندگی زناشویی می‌دانند (نوابی، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

برای بسیاری از خانواده‌ها، قول و قرار خواستگاری دارای مفهومی مانند ازدواج است و به هم زدن آن کار ساده‌ای نیست (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۲۵). چون عرف جامعه هم باعث شده طلاق امری ناپسند و «همواره با مقاومت اطرافیان» (همان: ۱۲۷) روبرو باشد از این‌رو این زنان منفعل‌تر می‌گردند.

- برای مدتی طولانی افسردگی شدید داشتم، همه چیز را فراموش می‌کردم خانواده‌ام راضی به پذیرش نبودند، به مشاوره مراجعه می‌کردم هزینه‌های آن بالا بود و احساس می‌کردم دیگر کمکی به من نمی‌کند. کارفرمایم آزارم می‌داد، شغلم را از دست دادم و تنها و نا امید بودم ... دلم می‌خواهد تاوان این کارش را می‌پرداخت. (سمیه).

- افسردگی گرفتم، خودم را در مرگ مادرم مقصر می‌دانم احساس می‌کنم مسائل و مشکلات من او را از پا انداخت، من دختر شادی بودم اما الان به شدت افسرده شده‌ام از هیچ چیز لذت نمی‌برم (آزاده).

- اندام زنانه‌ام را تحقیر می‌کرد، چون زود ازدواج کرده بودم و نسبت به بدنم آگاهی نداشتم، فکر می‌کردم زن بودن یک نوع نقص است، نسبت به اندامم وسواس پیدا کرده بودم، گاهی که به رابطه فکر می‌کنم ساعت‌ها گریه می‌کنم، احساس کمبود محبت دارم، نهال تنفر را در وجودم کاشت (فهیمه).

۴.۲.۱.۵ عشق

اشتنب‌برگ (۱۹۸۶) نظریه خود را در خصوص عشق ارائه کرده و بر اساس آن عشق را متشکل از سه مولفه صمیمیت intimacy، شور و عشق passion و تصمیم یا تعهد decisioniory/commitment می‌داند. وی در تعریف این اجزا چنین می‌گوید: صمیمیت به احساس‌های نزدیکی ارتباط و پیوستگی در روابط عاشقانه اشاره دارد. شور و عشق به احساس عاشقانه، کشش جسمانی، تمایل به روابط جنسی و پدیده‌های ارتباطی در روابط جنسی منجر می‌شود. جزء تصمیم یا تعهد بدین معناست که در کوتاه مدت فرد تصمیم

می‌گیرد تا به شخص دیگری عشق بورزد و در طولانی مدت به حفظ این عشق احساس تعهد کند (آیزنک، ۲۰۰۰).

- شوهر سابقم در دوران دانشگاه به شدت به من علاقمند شد هر بار که برای خواستگاری می‌آمد او را از سرمان باز می‌کردیم هرگز فکر نمی‌کردم با او ازدواج کنم، پدر و مادرم به شدت مخالف بودند اما بعد از چندسال وقتی تلاش بی‌وقفه‌اش را دیدم با او ازدواج کردم (سمیه)

- او در یک کشور خارجی زندگی می‌کرد من صرفاً علاقه به مهاجرت داشتم وقتی برای ازدواج به ایران آمد، دیدم هیچ علاقه‌ای به او ندارم او هم علاقه‌ای به من نداشت، صرفاً انگیزه‌اش مادی بود، برای همین مدتی رابطه ما ادامه پیدا کرد، دلم برایش می‌سوخت (آزاده).

- از ابتدا بهم علاقه نداشتیم به اصرار خانواده‌ها با هم ازدواج کردیم (فهیمه).

- می‌گفت به من علاقه دارد و حاضر است برای خوشبختی من هر کاری کند، اگر می‌دانستم دروغ می‌گوید هرگز با او ازدواج نمی‌کردم (ماهرخ).

۵.۲.۱.۵ آموزش و آگاهی از مسائل جنسی

پونتی معتقد است، تجربه جنسی فرصتی است برای آشنایی کسی با سهمی بشری در عام‌ترین وجوه استقلال و وابستگی است، در واقع جنسیت یک دیالکتیک است که در آن تمایل یک هستی به هستی دیگر در عین آنکه آن را انکار می‌کند با این حال بدون آن پایدار نیست (ماتیوز، ۱۳۷۸: ۱۶۵). از این‌رو در تجربه جنسی نوعی دوگانگی حاکم است که فایق آمدن بر آن و کسب مهارت لازم نیاز به بهره‌مندی از تجربه‌ها و آموزش‌های صحیح را می‌طلبد. کسب دانش در خصوص تاریخچه جنسی خود، شناخت و درک بدن خود، برقراری رابطه صلح آمیز با بدن خود، خلق رابطه جنسی بهتر، گسترش آسایش، اعتماد و رضایت جنسی نیز عواملی موثر در حمایت جنسی افراد هستند (فولی، کوپ و شوگرو، ۲۰۱۲: صص ۲-۳). آموزش در روابط جنسی نقش عمده‌ای را بازی می‌کند، از این‌رو پیدایش شاخه آموزش و درمان روابط جنسی در رشته مشاوره تحت عنوان "سکس‌تراپی" سبب توجه به این مسأله در دوران اخیر شده است. راسل نیز معتقد است سیستم حکومتی نمی‌تواند، دختران خرافاتی و جاهل بار بیاورد و سانسور شدید بر تمامی کتاب‌ها و نوشته‌هایی که اطلاعاتی درباره موضوعات جنسی می‌دهند حاکم کند و تمامی

امکانات معاشرت با مردان را از زنان جوان سلب کند و لوازم پیشگیری را از بین ببرد و برای اجرای بهتر قانونش تمام مردها به استثنای روحانیون را اخته کند (راسل، ۱۳۷۸: ۵۴-۵۵). او معتقد است «بی خبری از این مسائل فوق العاده بحال شخص مضر است، و از این رو هر سیستمی که بقای آن مستلزم چنین جهالتی باشد نمی تواند مطلوب باشد» (همان: ۵۶). از نظر وی برخورد ناصحیح با مسأله جنسی در کودکی سبب می گردد.

کودک از همان ابتدای زندگی خویشتن را معصیت کار می پندارد، و بزودی فرامی گیرد که گناه خود را در خفا انجام دهد و از این بابت که کسی از ماجرا خبر ندارد تسکین و تسلائی بهره می گیرد (همان: ۱۵۵).

هم «سادیسیم» و هم «مازوخیسم» هرچند در اشکال ملایم خویش مسائلی عادی و معمولی هستند ولی در مراحل حاد خود به حس گناه جنسی مربوط می شوند. «مازوخیست» مردی است که در زمینه عمل جنسی سخت به گناه خویش واقف است حال آنکه «سادیسیت» کسی است که به گناه زن، بعنوان یک اغواگر، توجه بیشتری دارد. تظاهر این آثار در دوران بعدی زندگی نشان می دهد که اثری که تعلیمات و مقررات سخت و خشن اخلاقی در روح و ذهن کودک بر جای می گذارد تا چه حد عمیق است (همان: ۱۵۵).

بیشتر مردها نمی دانند که باید زن را آماده کرد و به وی عشق ورزید، و از طرف دیگر بسیاری از زنان مهذب نیز نمی دانند که با سردی و خویشتن داری خود چه لطمه ای به زندگی زناشوئی می زنند. همه این مشکلات را می توان به مدد یک آموزش جنسی بهتر و مناسب تر مرتفع کرد (همان: ۷۹).

در تجربه مصاحبه شوندگان در خصوص آگاهی درخصوص مسائل جنسی به موارد زیر اشاره شد:

- من چیز زیادی از مسائل جنسی نمی دانستم، مادرم هم مثل شوهرم به خاطر اندام زنانه ام تحقیرم میکرد... اصلاً بلد نبود با یک زن چطور برخورد کند... دائم می گفت زنها نیاز جنسی ندارند (فهیمة).

- من انقدر درد داشتم همش فریاد می زدم (آزاده)

- وقتی پریرود شدم مادرم مرا کتک زد... دلم می خواست پسر بودم ... بعد از ازدواج فکر می کردم باید به هر خواسته او تن بدهم ... از من می خواست شبیه فاحشه فیلمها رفتار کنم (ماهرخ)

۶.۲.۱.۵ پیامد

الف- سردمزاجی و اختلال در عملکرد جنسی

پارافیلیاهای (انحرافات جنسی) بی ضرر، اگر بر مبنای توافق و رضایت دو طرف باشند، مشکلی بوجود نمی‌آورند اما اگر یکطرفه باشند آنوقت مزاحم و تنفرانگیز می‌شوند (لمر، ۱۳۹۲: ۲۲). عدم رضایت و تنفر در دراز مدت سبب رخوت جنسی می‌شود. در واقع بی میلی و سرد مزاجی (هایپوفیلیک)، در دراز مدت آن ممکن است به بی‌شعوری و بی‌علاقگی «رخوت شهوت جنسی» بیانجامد (لمر، ۱۳۹۲: ۲۲). رخوت شهوت جنسی lack of sexual desire سندرم یا وضعیتی ناشی از علل مختلفی که سبب ناتوانی در تجربه برانگیختگی جنسی در شرایط طبیعی می‌شود که معمولاً به اشتباه آن را فقدان شهوت جنسی lack of sexual desire می‌نامند (مونی، ۱۹۹۳: ۲۸۲). در واقع عمده‌ترین علت سرد مزاجی را می‌توان در رفتارهایی یافت که زمینه‌ساز رخوت شهوت جنسی می‌شوند.

- از همه مردها متنفر شدم (سمیه)

- دیگه هرگز ازدواج نمی‌کنم ... اصلاً نیاز جنسی ندارم (ماهرخ)

ب- خیانت

گلاسر معتقد است خیانت به همسر تقریباً یک امر جهانی است و ناشی از نارضایتی فرد در روابط جنسی خود با همسرش می‌باشد (گلاسر، ۲۰۰۰). در کلام شارع نیز عفت در زناشویی عامل مهمی در وصول فضل خداوند ذکر شده است (نور/۳۳).

- وقتی که فشار روحی بهم وارد می‌شد با یک دوست اینترنتی چت می‌کردم... اوایل فقط درد دل می‌کردم ولی چند باری هم بیرون رفتیم دلم می‌خواست فقط نیاز عاطفی‌ام تأمین شود (فهیمه)

- همش به خواستگارهای قبلی‌ام فکر می‌کردم... اوایل با آنها تماس می‌گرفتم و درد دل می‌کردم (سمیه)

در نتیجه مشاهده می‌شود طیف تجاوز جنسی زناشویی چه در بعد بی‌زاری جنسی و چه در بعد تمایل به خیانت سبب ایجاد آسیب‌های جدی به فرد و خانواده می‌گردد.

ج- محق دانستن

از آنجا که از دیدگاه نظریه فرهنگی، فرهنگ ناقل رفتار کنونی و آینده انسان است. مردانی که با همسران خود بدرفتاری می‌کنند، در فرهنگی زندگی می‌کنند که در آن،

حاکمیت مردان بیشتر از زنان است. بنابراین در جوامع پدرسالار، استفاده از قدرت برای ثبات و برقراری امتیازات مردان دارای مشروعیت است. مرد در محدوده خانواده دارای قدرت است و زمانی که با بهره‌گیری از خشونت زن و فرزندانش خود را به انجام دادن رفتارهای به قاعده و می‌دارد، نه تنها احساس ناراحتی نمی‌کند بلکه برعکس احساس می‌کند که محق است (اعزازی، ۱۳۸۰: ۷۱). هنجارهای عمومی جامعه تا حد زیادی برخی از رفتارهای خشونت‌آمیز را در خانواده با تعبیر تربیت یا جلوگیری از رفتار نابهنجار زن (دلایل قابل قبول جامعه) تحمل می‌کند. و امضای سند ازدواج را به معنای دادن اقتدار مردانه به پسر در نقش شوهر در سلسله مراتب خانوادگی و قبول اقتدار مرد از جانب زن می‌دانند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۲۴).

- خانواده‌ام معتقدند شوهرمه، باید با او بسازم (فهیمه)
- می‌گفت زن شرعی و قانونی من هستی باید نیازهای من را برطرف کنی و گرنه صیغه می‌کنم (ماهرخ)
- خیلی راحت با زن‌های دیگر رابطه می‌گرفت (سمیه)

جدول ۲: مقولات مستخرج از مصاحبه

ردیف	مفهوم	مقوله
۱	حقارت در کودکی و بزرگسالی، تماشای فیلم‌های پورنو، چت، تلفن همراه،	چیستی
۲	مشکلات واژینال و آنال، خونریزی و صدمات فیزیکی	صدمات جسمی
۳	افسردگی، بی‌انگیز شدن، بدبینی، منفعل شدن	صدمات روحی
۴	افراط در تمایلات و غریبه بودن با مفهوم عشق	عشق
۵	عدم آشنایی با فیزیولوژی جنس مخالف، عدم آشنایی با آداب زناشویی	آموزش
۶	سردمزاجی، اختلال در عملکرد جنسی، منفعل شدن، محق دانستن، میل به خیانت	پیامد

۲.۵ بررسی مقولات در فقه

۱.۲.۵ راهبرد و گفتمان عشق در اسلام

اساس اسلام بر مبنای عشق و محبت پایه‌گذاری شده است (منتظرین، ۱۳۸۰: ۵۸). و واژه عشق و محبت در قرآن کریم در آیات بسیاری بکار رفته است. عشق تعریف شده از منظر قرآن از نوع بسیار متعالی و ارزنده می‌باشد و حب خداوند نسبت به بندگانش در جای جای این کتاب آسمانی ذکر شده است (بقره/۲۲۲). در قرآن در کنار عشق او به بندگانش از مودت و رحمت بین زوجین نیز سخن به میان آورده شده است که مینا و اساس ازدواج براساس آن پایه‌ریزی شده است. در آیه روم: ۲۱ آرامش روحی و مودت و رحمت بین زوجین نشانه‌ای از خلقت و آفرینش ذکر شده است. همان‌طور که موسوی بجنوردی معتقد است در این آیه، جعل ذکر شده تکوینی است به این معنا که رحمت مرحله‌ای بالاتر از مودت را شامل می‌شود و به مرحله عشق می‌ماند و تأکیدش بر سلامت خانواده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳: ۲۵۴).

در احادیث نیز مبنای ازدواج عشق قرار داده شده است، که نمونه آن در این روایت مشهود است: فردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: می‌خواهم با زنی ازدواج کنم و پدرم زن دیگری را برایم انتخاب کرده است. امام فرمودند: «تَزَوَّجِ أَلَّتِي هُوَ بِتِ وَدَعِ أَلَّتِي يَهْوَى أَبُوَاكِ» [۵]

«با زنی که دوست داری ازدواج کن و به فردی که پدرت انتخاب کرده توجه نکن» (فقیهی، ۱۳۸۷: ۲۵۰)

با توجه به اهمیت مسأله عشق در منابع فقهی راهبردهایی نیز برای تقویت آن ارائه شده است که یکی از راهبردهای کاربردی که قرآن برای تجلی عشق توصیه می‌کند، جایگزین ساختن حسنات به جای سیئات است (منتظرین، ۱۳۸۰: ۶۲)، «انَّ الحَسَنَاتِ يَذْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ» سوره هود/۱۱۴، خوبی‌ها بدی‌ها را از میان می‌برد. از این‌رو عشق و مودت در امر ازدواج از نوع خاص که مبتنی بر روابط نیکو و دوری از خشونت و اجبار و در جهت تعالی است مورد توجه و تأکید در اسلام است.

۲.۲.۵ آموزش جنسی در اسلام

اصولاً همه آیات قرآن جنبه تربیتی و اصلاحی و انسان‌سازی دارد و در واقع قرآن مجید علاج واقعه را قبل از وقوع آن می‌کند (رهامی، ۱۳۷۹: ۸۹). برقراری رابطه جنسی و آداب و

شیوه‌های برخورد زوجین نیز از این امر مستثنی نیست. منابع و کتب اسلامی بسیاری در خصوص رعایت آداب زناشویی بر پایه موازین اسلامی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به وسائل الشیعه، مکارم الاخلاق، حلیه المتقین، بحار الانوار و بسیاری کتب اسلامی دیگر اشاره کرد که در آن‌ها آداب و مهارت‌های لازم برای روابط جنسی سالم به تفصیل و با توضیحات کامل ارائه شده است، که این امر نشان از توجه به آداب نزدیکی و اهمیت رعایت آداب زناشویی در اسلام دارد. به عقیده سعداوی:

یکی از تفاوت‌های شاخص بین تفکر اسلامی و تفکر غربی درباره جنسیت، برخورد متضاد آن‌ها به مسأله ارضای جنسی است. در اسلام، ارضای غریزه جنسی، و نه تظاهر و تقدس مآبی یا سرکوب جنسیت، [بلکه] به عنوان یک عامل آزاد کننده ظرفیت کامل زن و مرد برای کار، تمرکز و خلاقیت در رشته‌های مختلف فعالیت بشری، اعم از فعالیت‌های مادی و معنوی، شناخته شده است (سعداوی، ۱۳۵۹: ۲۳۲).

و حتی آداب زناشویی را تمایزی بین حیوان و انسان می‌داند: مبدا شما هم چون چهارپایان به روی زن خود افتید و بلکه باید میان شما پیامی رد و بدل شود. گفته شد چه پیامی، ای رسول خدا؟ گفت: بوس و کلام (همان: ۲۳۱).

۳.۲.۵ حق بر بدن یا تمامیت جسمی

یکی از اصل‌های مهم و پذیرفته شده در روابط بین افراد نزد فقها این است که هیچ شخصی بر جان و مال دیگری سلطه‌ای ندارد، مگر این که به موجب شرع (یا قانون) ولایتی برای او ثابت شده باشد و این یک اصل بدیهی است (محمدی، ۱۳۸۳: ۵۲). و مالکیت کامل‌ترین حقی است که فرد می‌تواند نسبت به مایملک خود داشته باشد (اصغری آقمشهدی و کاظمی افشار، ۱۳۸۸: ۳۴). از آنجاکه در اسلام نیز مالکیت فرد تنها به خودش واگذار شده است. و بنابر آیه ۲۹، سوره شوری: «انّی لا املک الاّ نفسی» هرگونه تصرف و مالکیت به غیر نفی شده است و بر اساس نظریه مالکیت منفعت، اعضای بدن دارای دو مالک هستند؛ خداوند که مالک عین است، و انسان که مالک منفعت است (همان: ۳۹). و حتی منافع نیز به ملکیت ما در نمی‌آیند و مالک اصلی خداست، گرچه حق انتفاع از آن را داشته باشیم (همان: ۴۰). از اینرو هرچند شهید ثانی در مقام شمارش حقوق زوج بر زوجه تمتع جنسی را حق مستقلی برای شوهر دانسته است (جبعی عاملی ۱۴۱۳: ج ۸، ص ۳۰۸). اما در اختیار دادن بی چون و چرای بدن بر حسب وظیفه زناشویی به همسر خلاف این

اصل و خلاف فرمایش شارع می‌باشد و در اصل چهلم قانون اساسی نیز آمده: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». بنابراین حتی اگر حق شوهر بر بدن همسرش را بپذیریم بنابر قانون او نمی‌تواند «اعمال حق خویش را وسیله اضرار» همسرش قرار دهد و وفق نظر کاتوزیان «خشونت و ایراد ضرب و تهدید از مصداق‌های بارز سوء استفاده از حق داشتن رابطه جنسی با همسر است و دادگاه می‌تواند با اقدامی مناسب (مانند استفاده از اجبار و تعیین جریمه نقدی) شوهر را از خشونت باز دارد» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴). در نتیجه قبل از حق بهره‌وری همسر در برقراری روابط جنسی قبل از هر چیز منفعت و عدم ضرر به خود فرد اولویت دارد. بنابراین در نحوه برخورد با عدم تمکین همسر باید شیوه‌ای مناسب با کمترین آسیب به طرفین را اتخاذ کرد.

همچنین باید توجه داشت در اسلام ایذاء و آزار رساندن (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۴: ۵۱)، تحقیر (حجرات: ۱۱) و تکبر (لقمان: ۱۸) نفی شده است و خشونت، تحقیر، ناسزا موارد مورد نهی هستند و خانواده سالم از این امور مصون است. و از آنجاکه اذیت و آزار و اجبار در اسلام جزو معاصی کبیره به شمار می‌آید از این‌رو زوجین نمی‌توانند یکدیگر را مجبور به عمل جنسی نمایند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳: ۲۵۴). از سوی دیگر با تکیه بر قاعده لاجرح شریعت اسلام با احکام سهله خویش، آدمی را از صعوبت و سختی اعمال رها نموده از این‌رو اطلاق حق جنسی زوج، در مواردی که موجب عسر و حرج زوج باشد منتفی خواهد بود (مؤمن، ۱۳۹۲: ۱۸۱). و باتوجه به این امر که افعال انسان‌ها نیز دارای ارزش‌های ذاتی است، در اینجا قاعده ملازمه عینیت پیدا می‌کند (و کل ما حکم به العقل حکم به الشرع) (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴: ۵۶). چون هیچ عقلی عنف، بی‌حرمتی و ضرب و لو به میزان خفیف را بر نمی‌تابد نمی‌توان آن را به شرع نسبت داد و صرف ظاهر آیه ۲۳ نساء عمل نمود. از سویی در کلام شارع سکون و آرامش (روم/۲۱) یکی از اهداف نکاح ذکر شده است و همچنین یکی دیگر از اهداف نکاح تناسل و تداوم نسل است بنابراین طرف دیگر هم نمی‌تواند با خودخواهی خود دیگری را از غرایز طبیعی و لذت فرزندآوری محروم سازد و از آنجاکه در اسلام تنها مجرای پذیرفته شده جهت رفع نیازهای جسمانی و تولید نسل، ازدواج می‌باشد، از این‌رو رضایت در روابط زناشویی از نظر فقهی در سه جهت اهمیت می‌یابد ۱. عدم اعمال خشونت و حفظ کرامت فرد ۲. عدم آسیب به غرایز طبیعی طرفین ۳. ایجاد آرامش در روابط زناشویی. که در صورت اختلال و پایمال شدن حق

هرکدام از زوجین همانطور که ذکر شد، باید به مدد علوم جدید با آن برخورد کرد. همچنین با توجه به عامل عرف و نظرسنجی در خصوص این امر، سبب آشکار شدن دیدگاه حاکم بر اجتماع خواهد شد و می‌توان آنرا ملاکی برای رفتار زوجین بر مبنای ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی و ملاکی برای حسن معاشرت قرار داد.

۳.۵ نگاهی به مسئله از دیدگاه حقوقی

۱.۳.۵ امکان طرح شکایت قربانی

در نظر قانونگذار در قانون مسئولیت مدنی به طور کلی شخص در برابر اعمال خود مسئولیت دارد و باید ضررها را جبران کند. از این رو بنابر ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در قوانین ایران «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتهای یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». و بنابر ماده ۲ آیین دادرسی کیفری «تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی» جزو جرائم است. همچنین بر اساس بند ب تبصره ۲ همان ماده - جرمی که دارای جنبه «ادعای خصوصی برای مطالبه حق از قبیل قصاص و قذف یا ضرر و زیان اشخاص حقیقی یا حقوقی باشد» موجب ادعا می‌گردد. و بر اساس ماده ۹ آیین دادرسی کیفری - «شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده و یا حقی از قبیل قصاص و قذف پیدا کرده و آن را مطالبه می‌کند مدعی خصوصی و شاکی نامیده می‌شود». از این رو در نظر قانونگذار، مطابق تعاریف، شاکی کسی است که «جرم مستقیماً نسبت به او واقع شده یا قائم مقام وی» در واقع شاکی خصوصی شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌شود. ضرر و زیان نیز اعم از مادی، معنوی و حیثیتی است (حداد زاده نیری، ۱۳۸۸: ۱۲۳). گرچه تجاوز جنسی زناشویی در قانون به مثابه جرم تعریف نشده است اما بنابر تعاریف ارائه شده به سبب آنکه مخاطب تمام موارد ذکر شده به صورت عام هستند قانونگذار به صراحت استثنایی برای رابطه زوجیت در طرح شکایت قائل نشده است.

۲.۳.۵ شیوه پیگیری عنف وارده

جرایم جنسی معنای عامی است که ارتباطات جنسی طبیعی یا غیر طبیعی مانند زنا، لواط، همجنس‌بازی، جریحه دار کردن حیای جنسی دیگری مانند بازی کردن با آلت جنسی او، تعرض به عفت و حیای دیگران مانند بیرون آوردن آلت تناسلی نزد آنان و حتی ارتکاب عمل جنسی مشروع در حضور دیگران را در برمی‌گیرد (نوبهار، ۱۳۸۸). در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی چنین آمده است:

هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا با او محسوب می‌گردد. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری [اعدام] است.

گرچه قانونگذار با بکار بردن واژه زنا، رابطه زناشویی را از رده تجاوز به عفت معاف کرده است و همچنین بر اساس تبصره ۱ ماده ۲۲۱ ق.م.ا و طی از دبر را نیز مصداق نزدیکی دانسته است و مجازات سنگین اعدام را برای متجاوزان جنسی در نظر گرفته است. اما این مسئله دلیل بر چشم‌پوشی قانونگذار در خصوص عفت وارد شده در رابطه زناشویی نیست زیرا فرد قربانی می‌تواند آسیب‌های وارده ناشی از عفت در زناشویی و یا آسیب‌هایی که به سبب تعدد نامتعارف نزدیکی، شکل نامتعارف آلت تناسلی همسر و یا از طریق همبستری نامتعارف (مثل وطی از دبر) بر او عارض شده است را از طریق "طرح شکایت ایراد صدمه" و یا "ایراد جراحات" در دادگاه کیفری مطرح کرده و از این طریق دیه جراحات وارده را براساس قانون دیه و ارش مطالبه کند. از سوی دیگر از طریق دادگاه خانواده نیز می‌تواند با طرح مسئله به کمک (ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی) مبنی بر عسر و حرج تقاضای طلاق کرده و یا مطابق (ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی) جهت امنیت خود محل زندگی خود را جدا سازد. از این‌رو در قانون ایران عنفی که در نتیجه خشونت جنسی زوجین باشد در دادگاه کیفری از طریق طرح شکایت "ایراد صدمه" و یا "ایراد جراحات" و در دادگاه خانواده از طریق اثبات "عسر و حرج" قابل پیگیری می‌باشد. همچنین وفق نظر بجنوردی طلاق به این شیوه طلاق قضایی از نوع طلاق بائن محسوب می‌شود، از این‌رو شوهر امکان رجوع در زمان عده را ندارد که این امر سبب پیشگیری از بروز عفت احتمالی ناشی از حق رجوع زوج می‌شود. اما باید در نظر داشت که غالباً این مسئله منجر به جراحات فیزیکی در زن نمی‌گردد و بیشتر مواقع بار روانی مسئله مطرح است، که در این صورت

بحث فیزیکی آن منتفی بوده که باتوجه به جرم انگاری نشدن این موضوع در حقوق ایران، خلاء قانونی به چشم می خورد.

۳.۳.۵ آموزش جنسی و خدمات مقابله با همسرآزاری در ایران

از جمله مسائلی که از حدود یک قرن قبل مورد توجه علمای جامعه‌شناسی و حقوق و جرم‌شناسی قرار گرفت، این مسأله بود که مجازات به تنهایی برای حفظ جامعه در مقابل خطر مجرمین کافی نیست (رهامی، ۱۳۷۹: ۸۸).

در همین راستا مجازات‌های تکمیلی نیز به عنوان راهکار مکمل در جهت کاهش جرائم و اصلاح مجرمین در کنار مجازات‌های اصلی به وجود آمدند. هدف اولیه اعمال این مجازات‌ها، فردی کردن مجازات‌ها و توجه به شخصیت مجرم است (نوریان، عزیزی، محمدی، ۱۳۹۳: ۴۴).

از نظر مکتب تحقیقی مسئولیت اخلاقی که مبنای مجازات می باشد، نفی می گردد و به انسان بزهکار به عنوان یک مریض که باید تحت درمان و معالجه قرار گیرد نگریسته می شود (رهامی، ۱۳۷۹: ۸۸).

در این راستا در قانون مجازات اسلامی فصل دوم ماده ۲۳ آمده است: «دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی» محکوم نماید که در بند «ز» و «ژ» آن الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین و الزام به تحصیل اشاره شده است.

از سوی دیگر در نظر گرفتن مراکز مشاوره در دادگاه‌های خانواده نیز حاکی از توجه قانونگذار به امر آموزش می باشد. علاوه بر این برنامه اورژانس اجتماعی که بر اساس بند ب تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۸۶ کل کشور شکل گرفته، تلفیقی از مداخله در بحران فردی، خانوادگی و اجتماعی (مرکز اورژانس اجتماعی)، خط تلفن اورژانس اجتماعی (۱۲۳)، تیم سیار اورژانس اجتماعی (خدمات اجتماعی سیار) و پایگاه اورژانس اجتماعی (پایگاه خدمات اجتماعی) است. که با شمول همسران آزار دیده و زوجین متقاضی طلاق که وضعیتی حاد دارند به حمایت از آسیب دیدگان پرداخته است. این برنامه ریزی در پی آن است که "مداخلات روانی-اجتماعی" را قبل "از مداخلات قضایی و انتظامی" و حتی در کنار این

نوع مداخلات جایگزین کند که این مسأله در "پیشگیری از وقوع جرم" و "قضازدائی" نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. در واقع این نوع مداخلات تأثیر گذاری "تئوری بر چسب" را به حداقل خواهد رساند تا زمینه‌ای برای توانمندسازی افراد در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی و بازگشت آن‌ها به زندگی سالم باشد (شیوه‌نامه برنامه اورژانس اجتماعی) [۳]. همچنین بر مبنای اظهار نظر مولودری لایحه "تأمین امنیت زنان در برابر خشونت" که به کمیسیون لوایح دولت ارائه شده است، دارای دو فاز قضایی و غیر قضایی جهت گنجانده شدن در لایحه اصلاح قانون تعزیرات اسلامی و تدابیر آموزشی، بازدارنده، فرهنگی، حمایتی و حفاظتی می‌باشد (مولودری، ۱۳۹۴). از اینرو میتوان نتیجه گرفت که گرچه در ایران جرم تجاوز جنسی زناشویی تعریف نشده است ولی قانون نسبت به امنیت زوجین در امر زناشویی کاملاً بی تفاوت نبوده است، هرچند خلاء قانونی جهت بررسی شفاف جرائم جنسی زوجین احساس می‌شود.

در ادامه با توجه به تأثیر عامل عرف در قوانین به بررسی عوارض روانشناختی موضوع و نحوه برخورد عرف با این مسأله می‌پردازیم. از این‌رو ابتدا با چهار تن از قربانیان مصاحبه عمیق صورت گرفته سپس مقولات اصلی مباحث آنها استخراج شده و در قالب پرسشنامه مورد نظرسنجی قرار گرفته است.

۶. دیدگاه متخصصان در برخورد با پدیده

جدول ۳ وضعیت مؤلفه‌های مستخرج از دیدگاه کارشناسان مربوطه

ترتیب میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	تعداد	فرضیه‌ها
۲	۲۴/۷۹	۷۸/۳۳	۱۰۰	۰	۱۰۰	چیستی
۶	۲۳/۱۰	۶۲/۰۰	۱۰۰	۰	۱۰۰	صدمات جسمی
۱	۲۱/۴۷	۷۹/۴۲	۱۰۰	۰	۱۰۰	صدمات روحي
۳	۲۶/۱۱	۷۵/۰۰	۱۰۰	۰	۱۰۰	عشق
۴	۱۸/۱۶	۷۱/۴۹	۱۰۰	۲۸/۵۷	۱۰۰	پیامد

۵	۱۴/۴۲	۶۹/۵۹	۱۰۰	۳۷/۵	۱۰۰	آموزش	۶
-	۹/۴۱	۷۵/۵۹	۹۵/۲۴	۴۲/۸۶	۱۰۰	وضعیت کلی، همه عوامل	کلی

بنابر نتایج حاصله از جدول ۳: درعامل چیستی، ۸۶ نفر (۸۶ درصد نمونه)، پاسخ بیشتر از حد متوسط ۵۰ (بلی، درست) اظهار نموده در صورتی که ۱۴ نفر (۱۴ درصد آن‌ها) پاسخ‌های کمتر از حد متوسط ۵۰ (خیر، غلط، مخالفت) داشته‌اند، آزمون دوجمله‌ای تفاوت نسبت‌ها را معنی‌دار نشان می‌دهد ($sig=0.000<0.05$)، با توجه به بیشتر بودن پاسخ‌های بلی (درست)، می‌توان نتیجه گرفت، عامل چیستی در تجاوز جنسی زناشوئی دارای اهمیت است. و مصاحبه شوندگان از مسأله تجاوز جنسی آگاهی نسبتاً بالایی داشتند.

درعامل صدمات جسمی، ۶۹ نفر (۶۹ درصد نمونه)، پاسخ بیشتر از حد متوسط ۵۰ (بلی، درست) اظهار نموده در صورتی که ۳۱ نفر (۳۱ درصد آن‌ها) پاسخ‌های کمتر از حد متوسط ۵۰ (خیر، غلط، مخالفت) داشته‌اند، آزمون دوجمله‌ای تفاوت نسبت‌ها را معنی‌دار نشان می‌دهد ($sig=0.000<0.05$)، با توجه به بیشتر بودن پاسخ‌های بلی (درست)، می‌توان نتیجه گرفت، عامل صدمات جسمی در تجاوز جنسی زناشوئی دارای اهمیت است.

درعامل صدمات روحی، ۸۲ نفر (۸۲ درصد نمونه)، پاسخ بیشتر از حد متوسط ۵۰ (بلی، درست) اظهار نموده در صورتی که ۱۸ نفر (۱۸ درصد آن‌ها) پاسخ‌های کمتر از حد متوسط ۵۰ (خیر، غلط، مخالفت) داشته‌اند، آزمون دوجمله‌ای تفاوت نسبت‌ها را معنی‌دار نشان می‌دهد ($sig=0.000<0.05$)، با توجه به بیشتر بودن پاسخ‌های بلی (درست)، می‌توان نتیجه گرفت، عامل صدمات روحی در تجاوز جنسی زناشوئی دارای اهمیت است.

درعامل عشق، ۵۱ نفر (۵۱ درصد نمونه)، پاسخ بیشتر از حد متوسط ۵۰ (بلی، درست) اظهار نموده در صورتی که ۴۹ نفر (۴۹ درصد آن‌ها) پاسخ‌های کمتر از حد متوسط ۵۰ (خیر، غلط، مخالفت) داشته‌اند، آزمون دوجمله‌ای تفاوت نسبت‌ها را در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار نشان نمی‌دهد ($sig=0.920>0.05$)، یعنی نمونه مورد مطالعه نتوانسته است اهمیت تأثیر عامل عشق را در تجاوز جنسی زناشوئی ارزیابی نماید.

درعامل پیامد، ۸۴ نفر (۸۴ درصد نمونه)، پاسخ بیشتر از حد متوسط ۵۰ (بلی، درست) اظهار نموده در صورتی که ۱۶ نفر (۱۶ درصد آن‌ها) پاسخ‌های کمتر از حد متوسط ۵۰ (خیر، غلط، مخالفت) داشته‌اند، آزمون دوجمله‌ای تفاوت نسبت‌ها را معنی‌دار نشان می‌دهد.

($sig=0.000<0.05$)، با توجه به بیشتر بودن پاسخ‌های بلی (درست)، می‌توان نتیجه گرفت، عامل پیامد در تجاوز جنسی زناشویی دارای اهمیت است.

در عامل آموزش، ۸۱ نفر (۸۱ درصد نمونه)، پاسخ بیشتر از حد متوسط ۵۰ (بلی، درست) اظهار نموده در صورتی که ۱۹ نفر (۱۹ درصد آن‌ها) پاسخ‌های کمتر از حد متوسط ۵۰ (خیر، غلط، مخالفت) داشته‌اند، آزمون دوجمله‌ای تفاوت نسبت‌ها را معنی‌دار نشان می‌دهد ($sig=0.000<0.05$)، با توجه به بیشتر بودن پاسخ‌های بلی (درست)، می‌توان نتیجه گرفت، عامل آموزش در تجاوز جنسی زناشویی دارای اهمیت است.

در مجموع عوامل، وضعیت کلی تجاوز جنسی زناشویی، ۹۸ نفر (۹۸ درصد نمونه)، پاسخ بیشتر از حد متوسط ۵۰ اظهار نموده در صورتی که تنها ۲ نفر (۲ درصد نمونه) پاسخ‌های کمتر از حد متوسط ۵۰ داشته‌اند، آزمون دوجمله‌ای تفاوت نسبت‌ها را معنی‌دار نشان می‌دهد ($sig=0.000<0.05$)، با توجه به بیشتر بودن پاسخ‌های بلی (درست)، می‌توان نتیجه گرفت، عامل آموزش در تجاوز جنسی زناشویی دارای اهمیت است. در ادامه جهت درک بهتر پدیده به بررسی پدیده از دیدگاه زنان و مردان می‌پردازیم.

۷. بررسی پدیده از دیدگاه زنان و مردان

جدول ۴. آزمون غیر پارامتریک من ویت نی به منظور مقایسه عوامل ۶ گانه تجاوز جنسی زناشویی از دیدگاه زنان و مردان

مجموع	میانگین	تعداد	جنس	
۴۴۱۴/۵	۵۴/۵	۸۱	زن	چیستی
۶۳۵/۵	۳۳/۴۵	۱۹	مرد	
		۱۰۰	جمع	
۴۱۸۹/۵	۵۱/۷۲	۸۱	زن	صدمات جسمی
۸۶۰/۵	۴۵/۲۹	۱۹	مرد	
		۱۰۰	جمع	
۴۰۹۸	۵۰/۵۹	۸۱	زن	صدمات روحی
۹۵۲	۵۰/۱۱	۱۹	مرد	
		۱۰۰	جمع	
۳۸۹۷	۴۸/۱۱	۸۱	زن	عشق
۱۱۵۳	۶۰/۶۸	۱۹	مرد	

		۱۰۰	جمع	
۳۷۸۶	۴۶۷۴	۸۱	زن	پیامد
۱۲۶۴	۶۶۵۳	۱۹	مرد	
		۱۰۰	جمع	
۳۹۶۰/۵	۴۸/۹	۸۱	زن	آموزش
۱۰۸۹/۵	۵۷/۳۴	۱۹	مرد	
		۱۰۰	جمع	
۴۰۵۰/۵	۵۰/۰۱	۸۱	زن	وضعیت کلی، همه عوامل
۹۹۹/۵	۵۲/۶۱	۱۹	مرد	
		۱۰۰	جمع	

وضعیت کلی، همه عوامل	آموزش	پیامد	عشق	صدمات روحی	صدمات جسمی	چیستی	
۷۲۹/۵	۶۳۹/۵	۴۶۵	۵۷۶	۷۶۲	۶۷۰/۵	۴۴۵/۵	Mann-Whitney U
۴۰۵۰/۵	۳۹۶۰/۵	۳۷۸۶	۳۸۹۷	۹۵۲	۸۶۰/۵	۶۳۵/۵	Wilcoxon W
۰/۳۵۵-	۱/۱۷۷-	۲/۷۴۱-	۱/۹۵۴-	۰/۰۷۱-	۰/۹۵۳-	۳/۱۳۲-	Z
۰/۷۲۲	۰/۲۳۹	۰/۰۰۶	۰/۰۵۱	۰/۹۴۳	۰/۳۴	۰/۰۰۲	Asymp. Sig. (two-tailed)

براساس نتایج مشاهده شده در جدول. زنان اهمیت چیستی (خود پدیده) را در تجاوز جنسی زناشویی، بیشتر دانسته‌اند، در صورتی که مردان پیامدها (اثرات پدیده) را مهم‌تر می‌دانند، در سایر عوامل تفاوت‌های مشاهده شده معنی‌دار نمی‌باشند.

۸. نتیجه‌گیری

بدن ما چیزی است که آن را از درون می‌زیم نه این که مشاهده‌گر صرف آن باشیم (ماتیوز، ۱۳۷۸: ۷۹) در واقع زنده بودن پاسخ دادن به جهان است، نه اینکه صرفاً انفعالی مانند توده خاک رفتار کنیم (همان: ۸۲).

بنابر پژوهش انجام شده پدیده تجاوز جنسی زناشویی شباهت بسیاری با تجاوز واقعی دارد این افراد از تحقیر، صدمه رساندن و ارضاء از طریق دیگر آزاری لذت برده و دچار انحرافات جنسی از جمله تمایل شدید به نزدیکی معقدی، لذت بردن و اعتیاد به تصاویر

مستهجن و بکارگیری خشونت در حین نزدیکی می‌باشند. تفکرات سنتی اطرافیان از نقش پدرسالارانه شوهر و قبح طلاق نیز بر تداوم این مسأله دامن می‌زند. عوارض جسمانی این پدیده قابل مشاهده بوده و سردردهای میگرنی، عفونت‌های حاد، مشکلات معقدی، سردمزاجی، عدم کنترل خشم در قربانیان را سبب می‌شود. در خصوص ابعاد روانی مسأله افسردگی‌های حاد، تلاش برای کهنتری دیگری، بی تفاوتی، سرکوب شدن توانمندی سرخوردگی، احساس بی کفایتی، از دست دادن عزت نفس و اعتماد به نفس و تمایل به خیانت خصوصاً خیانت عاطفی تنها گوشه‌ای از پیامدهای این پدیده بر قربانیان است.

از بعد قانونی گرچه جرم مجزای مبنی بر تجاوز جنسی زناشویی در قوانین ایران وجود ندارد اما این مسأله از طریق "طرح ایراد صدمه" و یا "جراحت" در دادگاه کیفری و از طریق طرح مسأله عسرو حرج در دادگاه خانواده قابل طرح است و صدمات جسمی ناشی از آن را میتوان پیگیری کرد. هرچند با در نظر گرفتن مراکز مشاوره در دادگاه‌های خانواده زمینه را برای برخورد مناسب با آن فراهم آورده است و در مباحث مربوط به دیات و عسر و حرج (۱۱۳۰)، حسن معاشرت (۱۱۰۳) و لزوم اختیار مسکن علی‌حده در صورت خوف ضرر بدنی (۱۱۱۵) نیز نوعی پیشگیری را شاهدیم، ولیکن از جهت آسیب‌های روحی وارده خلاء قانونی مشهود بوده و نیاز به تعریف شفاف جرائم جنسی در حوزه خانواده احساس می‌شود.

همچنین در خصوص مؤلفه فقهی نیز با مذاقه در متون فقهی در می‌یابیم که در فقه نیز به امور و آداب مربوط به رابطه زناشویی توجه کافی مبذول شده است. از آن جمله می‌توان به در نظر گرفتن اصل عشق به عنوان ستون اصلی ازدواج، تأکید بر عنصر زمان و مکان و شأن افراد، جایگزینی سیأت با فعل نیکو، لزوم آموزش جنسی و روابط صمیمانه بین زوجین، تأکید بر عدم مالکیت غیر بر بدن، پرهیز از تحقیر و تکبر، تأکید بر خلقت برابر زن و مرد، نهی از ایذاء مسلم و امر به رابطه سالم در خانواده، سلامت خانواده و تربیت صحیح فرزندان و رابطه سالم زناشویی به کرات تأکید شده است و همان‌طور که بحث شد به سبب آن که قوانین و موازین شرعی تخالفی با اصول عقلی ندارند، و بر مبنای قاعده ملازمه (و کل ما حکم به العقل حکم به الشرع)، خشونت و تعرض جنسی در اسلام خلاف عقل بوده از این رو خلاف شرع نیز می‌باشد. همچنین در جامعه اسلامی با کنترل اصول غیرشرعی در قالب امر به معروف و نهی از منکر، تأکید بر جلوگیری از شکل‌گیری پیامدهای آن می‌شود. از جمله تأکید شارع بر "غض بصر" نیز حاکی از آن است که دیدن

خوراک نامناسب بصری و بی بندوباری جنسی سبب شکل‌گیری شخصیت نابسامان در فرد می‌گردد از این رو قانونگذار نیز باید در زمینه چشم‌چرانی افراد بیمار تمهیدات مناسبی را اتخاذ نماید.

از آنجاکه بنیان ازدواج در اسلام بر مبنای عشق و عاطفه است از این رو هم سو با نظر گراسی (۲۰۱۴) می‌توان گفت گفتمان عاطفی (عشق) به درک ما از یک نهاد حقوقی مثل (ازدواج) غنا می‌بخشد. قانونگذار مسئله عشق و گفتمان عشق را در تدوین قانون مد نظر قرار نداده است و در دیدگاه روانشناختی نیز طبق نظر اشتنبرگ تنها سه مؤلفه "صمیمیت"، "شور و عشق" و "تصمیم یا تعهد" در عشق مؤثر می‌باشد. در حالیکه در منابع فقهی بر عشق و مؤدت به نحو تکوینی تأکید شده که در واقع حاکی از رشد معنوی زوجین در ازدواج و رسیدن به عشق حقیقی است که مایه سکون و آرامش قلب‌ها می‌گردد. از این رو نیاز به ارائه مفاهیم عمقی و معنوی از عشق در ازدواج به جای مفاهیم غریزی و سطحی در حوزه حقوق و روانشناختی احساس می‌شود.

در پایان از جمله نتایج به دست آمده تفاوت دیدگاه زنان و مردان است. به این صورت که زنان اهمیت چستی (خود پدیده) را در تجاوز جنسی زناشویی، بیشتر می‌دانند، در صورتی که مردان پیامدها (اثرات پدیده) را مهم‌تر می‌دانند، که این امر ضرورت همراهی دیدگاه‌های زنانه و مردانه در تدوین قانون را آشکار می‌سازد.

پی‌نوشت

۱. متن ماده ۲ بند الف. اعلامیه حذف خشونت علیه زنان:

Article 2

violence against women shall be understood to encompass, but not be limited to, the following:

(a) Physical, sexual and psychological violence occurring in the family, including battering, sexual abuse of female children in the household, dowry-related violence, marital rape, female genital mutilation and other traditional practices harmful to women, non-spousal violence and violence related to exploitation

<http://www.un.org/documents/ga/res/48/a48r104.htm> (۱۳۹۳/۶/۲۵) بازیابی

۲. سند مرکز تحقیقات خشونت علیه زنان انگلستان:

UK Center for Research on Violence Against Women

<https://www.uky.edu/CRVAW/files/TopTen/06_Health_Issues.pdf>

http://123.behzisti.ir/Modules/GetFile.aspx?Source=HyperLink_357&file=LinkFile_1144.pdf

کتاب‌نامه

کتاب

- آشتیانی، محمود. تقریرات حاج شیخ عبدالکریم حائری. کتاب نکاح: خراسان اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). خشونت خانوادگی: زنان کتک خورده. تهران: نشر سالی، چاپ اول.
- جبعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳ ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، المعارف الإسلامية.
- راسل، برتراند (۱۹۲۹). زناشویی و اخلاق. ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر کتابیار، ۱۳۷۸.
- سبحانی، جعفر (بی‌تا). فروغ ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱.
- عمید، حسن (۱۳۷۷). فرهنگ عمید. چاپ دوازدهم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- فقیهی، علی نقی (۱۳۸۷). تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث. قم: موسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، جلد ۱.
- فوکو، میشل (۱۳۸۷). دانش و قدرت. (ترجمه محمد ضیمران). تهران: هرمس، چاپ چهارم (۱۳۹۰).
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- لنگرودی، م. (۱۳۵۵). حقوق خانواده. تهران: چاپخانه حیدری.
- ماتیوز، اریک (۱۳۸۷). درآمدی به اندیشه‌های مرلوپوتنی. ترجمه رمضان برخورداری. تهران: گام نو.
- محمدی‌نژاد، حسین (۱۳۹۲). قانون مدنی. تهران: انتشارات اخوان
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی. تهران: نشر داوران، چاپ ۱۰۵.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۳). قانون جدید مجازات اسلامی. تهران: نشر کتاب دیدآور، چاپ ۱۲۳.
- منصور، محمود (۱۳۶۹). احساس کهنتری. انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- مور، استفن (۱۳۷۶). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی. (مرتضی ثابت فر). تهران: انتشارات قنوس
- مؤمن، رقیه (۱۳۹۲). جایگاه و محدوده حقوق جنسی زوجین: در فقه امامیه و حقوق ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ اول.
- مهریزی، مهدی (۱۳۹۰). شخصیت و حقوق زن در اسلام. تران: نشر انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- نوابی نژاد، شکوه (۱۳۹۱). روانشناسی زن. تهران: نشر علم، چاپ چهارم.

وودراف اسمیت، دیوید (۱۳۹۳). *پدیده‌ارشناسی*. (ترجمه مسعود علیا)، تهران: نشر ققنوس، چاپ اول.

مقالات

اصغری آقمشهدی، فخرالدین؛ کاظمی افشار، هاجر. *نحوه ارتباط انسان با اعضای بدن خود از دیدگاه فقه و حقوق*. مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، زمستان ۱۳۸۸ - شماره ۱، صفحه - از ۳۳ تا ۴۴ اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). *ساختار جامعه و خشونت علیه زنان*. *رفاه اجتماعی*. پاییز ۱۳۸۳ - شماره ۱۴، صص از ۵۹ تا ۹۶

حدادزاده نیری، محمدرضا (۱۳۸۸). *تحقیق در جرائم منافی عفت*. مجله حقوقی دادگستری شماره ۶۷، صص ۱۱۵-۱۲۶

سیف ربیعی، محمد علی؛ رضائی تهرانی، فهیمه؛ نادیا حتمی، زینت (۱۳۸۱). *همسر آزاری و عوامل مؤثر بر آن*. مجله زن در توسعه و سیاست، زمستان ۱۳۸۱ - شماره ۴، صص ۵ تا ۲۵

رهامی، محسن (۱۳۷۹). *اقدامات تأمینی و تربیتی از نظر قرآن و سنت*. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۵، پاییز ۱۳۷۹، صص ۸۷-۱۰۶

کلاین، ویکتور. بی. *تأثیرات هرزه‌نگاری اینترنتی بر بزرگسالان*. مجله سیاحت غرب، اردیبهشت ۱۳۸۴ - شماره ۲۲، صص ۳۰ تا ۴۵

محمدی، مرتضی (۱۳۸۳). *تمکین؛ قدرت زنان یا خشونت مردان*. *مطالعات راهبردی زنان*، بهار ۱۳۸۳ - شماره ۲۳، از صفحه - ۴۱ تا ۶۷

منتظرین، معمار (۱۳۸۰). *عشق و محبت از منظر قرآن کریم*. مجله کوثر، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۰، صص ۵۷-۶۳

موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۴). *خشونت نسبت به زنان از منظر دین*. مجله: *بازتاب اندیشه*، مرداد ۱۳۸۴ - شماره ۶۴، صص ۵۵ تا ۶۴

موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۲). *فقه زنان*. *فصلنامه ریحانه*، سال اول، بهار ۱۳۸۲
موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۳). *حقوق زنان*. *پژوهشنامه متین*: تابستان و پاییز ۱۳۸۳ - شماره ۲۳ و ۲۴

نوبهار، رحیم (۱۳۸۸). *اهداف مجازاتها در جرایم جنسی مستوجب حد در حقوق کیفری اسلام*. *فصلنامه نامه مفید*، شماره ۲۳

نوری، رضا؛ ارتباط بین: *انگیزه ارتکاب جرم و اراده مجرمانه*. مجله مهنامه قضایی اسفند ۱۳۵۶ - شماره ۱۴۴، صص ۵۹ تا ۶۶

نوریان؛ علی‌رضا، عزیزی؛ غلام‌علی، شاه محمدی، حمید (۱۳۹۳). *واکاوی مجازات‌های تکمیلی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. *ماهنامه کانون*، شماره ۱۳۸ و ۱۳۹، صص ۴۳-۶۲

هنرپروران، نازنین و همکاران (۱۳۸۹). اثربخشی رویکرد هیجان مدار بر رضایت جنسی زوجین. تهران: اندیشه و رفتار، دوره چهارم، شماره ۱۵.

منابع اینترنتی

مولاوردی، شهین دخت (۱۳۹۴). خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا). بازیابی [۱۳۹۴/۵/۲۸] www.isna.ir، کد خبر ۹۳۰۹۰۷۰۴۱۶۶

لمر، یوهان (۲۰۰۵). مقدمه‌ای بر سکس شناسی. مترجم جهانگیر شیرازی (۱۳۹۲). کتاب الکترونیکی [آنلاین] <http://www.pezhvakeiran.com/maghaleh-53893.html>

سعداوی، نوال (۱۹۷۷). چهره عریان زن عرب. (ترجمه: مجید فروتن و رحیم مرادی). نشر الکترونیکی www.readbook.ir

Book

Berube, Margery S. et al (1989). *The American Heritage Dictionary*. Tehran: Golestan Ketab, 1376.

Caringella Susan (2009). *Addressing Rape Reform in Law and Practice*. Columbia University Press

.Conde, H. Victor (2004). *A Handbook of International Human Rights Terminology*. USA: University of Nebraska press.

Eysenck, M.W. (2000), *psychology: A student's hand book*. Psychology press. Amember of the Taylor and Francis group.

Finkelhor, D. & Yllo ·K. (1985). *License to rape Sexual abuse of wives*. New York: Holt, Rinehart, & Winston.

Foley, Sallie; Kope, Sally A.; Dennis P. Sugrue (2012). *Sex Matters for Women: A Complete Guide to Taking Care of Your Sexual Self*. New York: Guliford press, 2end edition

Foucult, Michel (1990). *The History of Sexuality*. 3vol. New York: Vintage books.

Eysenck, M.W. (2000), *psychology: A student's hand book*. Psychology press.

Glasser, Willian (2000). *Counceling With Choice Theory a New Reality Therapy*. New York, Happer Colins publisher.

Grossi, Renata (2014). *Looking for Love in the Legal Discourse of Marriage*. Australia: ANU press.

Hanmer, Jalna; Itzin, Catherine (2000). *Home Truths about Domestic Violence: Feminist Influences on Policy and Practice - A Reader*. USA & Canada: Routledge, first edition.

Money, John (1993). *Lovemaps: Clinical Concepts of Sexual/erotic Health and Pathology, Paraphilia, and Gender Transposition of Childhood, Adolescence, and Maturity*. U.S.A. Irvington.

Schultz, Duane P.; Sydney Ellen Schultz (2005). *Theories of Personality*. USA: Wadsworth, 8th edition.

Witte Jr., John (2014). *From Sacrament to Contract, Second Edition: Marriage, Religion, and Law in the Western Tradition*. Kentucky: Westminster John Knox press, second edition.

Sampson, Fiona (2010). The Legal Treatment of Marital Rape in Anada, Ghana, Kenya Andmalawi – a Barometer of Women’s Human Rights.

Articles

Bergen, Raquel Kennedy and Elizabeth Barnhill (2006). Marital Rape: New Research and Directions. National Online Resource Center on Violence against Women, Cooperative Agreement Number U1V/CCU324010-02 from the Centers for Disease Control and Prevention.

Gupta, Bhavish and Meenu Gupta (2013). Marital Rape: - Current Legal Framework in India and the Need for Change. Galgotias Journal of Legal Studies. 2013 GJLS Vol. 1, No. 1

Memahon-Howard, Jennifer and Jody Clay-Warner and Linda Renzulli (2009). Criminalizing Spousal Rape: The Diffusion of Legal Reforms. California: Sociological Perspectives, Vol. 52, Issue 4, pp. 505–531, ISSN 0731-1214, electronic ISSN 1533-8673.

Internet

Ryder, Sandra; Kuzmenka, Sherly (1991). Legal Rape: The Marital Rape Exemption. [Online] <[http://library.jmls.edu/pdf/ir/lr/jmlr24/18_24JMarshallLRev393\(1990-1991\).pdf](http://library.jmls.edu/pdf/ir/lr/jmlr24/18_24JMarshallLRev393(1990-1991).pdf)>, (1/10/2014)

Tjaden, Patricia; Thoennes, Nancy (2000). Full Report of the Prevalence, Incidence, and Consequences of Violence Against Women. U.S. Department of Justice Office of Justice Programs. <<https://www.ncjrs.gov/pdffiles1/nij/183781.pdf>>(2/3/2014)

UN (1993). 48/104. Declaration on the Elimination of Violence against Women the General Assembly. New York. [online]<http://www.un.org/documents/ga/res/48/a48r104.htm>

World Health Organization (2004). Sexual violence. [online], <http://www.who.int/violence_injury_prevention/violence/global_campaign/en/chap6.pdf>, (4/4/2014)